

بسم الله الرحمن الرحيم

آیا معجزه با قانون علیت منافات دارد؟

افرادی خیال می کنند که آوردن معجزه عقلا امکان ندارد، چون ناقض قانون علیت است، یعنی ما مخیر هستیم بین نفي قانون علیت و پذیرفتن معجزه و یا نفي معجزه و پذیرفتن قانون علیت و امر دایر بین این دو کار است. اینها می گویند اگر ما قانون علیت را بپذیریم معنایش صدور هر معلولی از علت خاص خودش می باشد. حرارت از آتش صادر می شود، از این جهت معنی ندارد بگوئیم حرارت از یخ تولید می گردد. همین طور روئیدن گیاه پیدایش حیات، زنده شدن انسان، مردن و مریض شدن و شفا یافتن او همه اینها معلولاتی است که علل خاصی دارند، اگر چیزی برخلاف این جریان علی و معلولی صورت گیرد معنایش نپذیرفتن قانون علیت می باشد.

در این جا جوابهای ساده ای داده شده که قابل طرح کردن نیست، یکی همان قول به استثنا است که در زیر آمده است.

عده ای می گویند معجزه استثنا در قانون علیت است، در تمام موارد قانون علیت حاکم است جز در موارد نادر که یکی از آنها معجزه می باشد. قانون کلی علیت در مورد معجزه استثنا خورده و نقض شده. این کلام تمام نیست، زیرا که قانون علیت يك قانون عقلي است و استثنا بردار نیست.

پس تقریر اشکال این است که این طور که شما معجزه را تبیین کردید باید قانون علیت نقض شود و نقض قانون علیت مساوی است با عدم اعتبارش.

. اگر يك جا استثنا پیدا کرد معلوم می شود، علت و معلولی در کار نیست

در جواب از سؤال می‌گوییم قانون علیت به قوت خود باقی است و استثنا بردار نیست و معجزه هم واقعیتی است که هیچ‌گونه منافاتی با قانون علیت ندارد.

هر معلولی علتی می‌خواهد که قدر متیقن آن علت فاعلی است و این قانون به هیچ وجه قابل نقض نیست، يك معنی بدیهی است که اگر چیزی وجودش از خودش نیست ناچار از غیر است. آن غیر باید وجود به این افاضه نماید. ولی این معنایش آن نیست که معلولها همیشه از عوامل عادی شناخته شده، صادر می‌شوند، بلکه این قانون همین اندازه اقتضا می‌کند که ما برای هر معلولی، عللی قائل شویم و از همین راه است که ما از وجود کل جهان به وجود خدا پی می‌بریم، علت خدا برای این است که جهان معلول است. وجودش فقیر است و بدون علت نمی‌شود - اگر ما پذیرفتیم که بهبود یافتن مریض همیشه از راه خوردن دارو حاصل نمی‌شود. بلکه راه دیگری هم هست، این نقض قانون علیت نیست و بدل شدن يك جسم بی‌جان مثل عصای حضرت موسی به يك جسم جاندار يك راه طبیعی دارد و آن این است که باید حیوان آن را بخورد و در بدن حیوان هضم شود و به صورت نطفه یا تخم در آید و سپس به موجود جاندار تبدیل شود و یا تبدیل به خاک شده و بعد از مدتی به صورت علف غذایی حیوانی شده به جاندار تبدیل شود. حال اگر راه دیگری هم باشد که با پیمودن آن ممکن است موجود بی‌جان تبدیل به جاندار شود، در این صورت قانون علیت ما نقض نشده بلکه علت جدیدی کشف شده است.

وقتی که می‌گوییم پیامبری مرده‌ای را زنده کرد. یعنی خدا يك قدرتی به او داده بود که به اذن او این قدرت را به کار گرفت. این قدرت علت بود، زیرا در پیدایش يك پدیده‌ای در زنده شدن مرده‌ای و در شفا یافتن مریضی، مؤثر بود. کار پیامبر به کار گرفتن يك قوه نفسانی است که خداوند متعال به او

مرحمت کرده است ولي قابل تعليم و تعليم نيست وديگران نهي توانند به آن دست يابند، ولي به هر حال علت است. پس حاصل جواب اين شد که پذيرفتن معجزه ناقض بودن قانون عليت نيست، بلکه پذيرفتن علتی است براي پديد آمدن امري، اما، نه از سنخ علل مادي، بلکه علتی است معنوي که به موهبت پروردگار متعال در نفس پیامبر تحقق پيدا مي کند و قابل تعليم [و تعلم هم نيست].1]

اگر مرده اي به طور اعجاز زنده مي شود، آن هم حساب و قانوني دارد. اگر فرزندی همچون حضرت عيسي بن مريم - عليه السلام - بدون پدر متولد مي شود، برخلاف سنت الهي و قانون آفرينش نيست، اشکال کار اين است که بشر تمام سنت ها و قوانين حاکم بر جهان هستي را نهي شناسد. در بسياري از موارد، آن چه را که به عنوان قانون و سنت الهي مي شناسد قشر قانون است، نه قانون واقعي. مثلاً ما خيال مي کنيم متولد شدن انسان زنده همواره متوقف بر ازدواج دو نفر مي باشد، درحالي که اين هم قشر سنت است، نه خود سنت. آفرينش حضرت عيسي بدون پدر قشر سنت را برهم زده است؛ نه خود آن را. اين که قانون و مقررات نظام عالم آفرينش تخلف ناپذير است سخني است و اين که آيا قوانيني که ما شناخته ايم، قانون هاي معنای معجزه بي .واقعي جهان است يا قشري از قانون سخني ديگر است قانون بودن نيست. وقتي با اراده پيغمبر و يا امامي کار خارق العاده اي صورت مي گيرد، شرايط عوض مي شود يعني يك روح پاك و نيرومند متصل به قدرت لايزال الهي شرايط را تغيير مي دهد و قانون ديگري حکمفرما مي شود، ممکن است از وسائل عادي و راه هاي شناخته شده نباشد که در [معجزه حتما اين گونه است].2]

استاد علامه طباطبائي مي فرمايند: قرآن قانون عليت عامه را تصديق مي نمايد و بعد از بحث مفصل مي فرمايند: اصل معجزات از اموري است که

حتما جریان عادي طبيعت هم آن را انکار نمی کند، مثلاً زنده شدن مرده یا تبدیل صورت به صورت دیگر و تبدیل راحتی به بلا و بلا به راحتی، که مرتباً در عالم طبيعت صورت می گیرد، فرقی که میان معجزه و وضع عادي طبيعت وجود دارد، امور عادي معلول اسباب مخصوص و در شرایط خاصی صورت می گیرد، ولی در معجزه اسباب عادي دیده نمی شود، مثلاً از نظر جریان طبیعی مانعی ندارد که عصا تبدیل به اژدها شود، ولی نیاز به سلسله طولانی از علل دارد و به تدریج صورت می گیرد، ولی در معجزه آبی و نوری است و توسط علل غیبی به وجود می آید و خواست خداوند تمام آن علتها را در [آن واحد به کار می اندازد].³

از مطالبی که از اعلام فن و بزرگان نقل شد به این نتیجه می رسیم که معجزه با قانون علیت منافات ندارد، چون ما تمام سنت ها و قوانین حاکم بر جهان هستی را نمی شناسیم و تنها سر و کار ما با قوانین عادي جهان و اموری که قابل تجربه اند می باشد، خیال می کنیم در معجزه قانون علیت نقض شده، در صورتی که در معجزه شرایط عوض می شود و قانون دیگری حاکم می گردد.

وقتی می خواهد معجزه ای صورت گیرد آن شیء طبیعی که وسیله معجزه است قیافه ماورای طبیعی خود را نشان می دهد، مثال عصای حضرت موسی که در این روی طبیعت همان چوب خشک است ولی در آن رویه ماورای طبیعی اش اژدها است بیننده صورت ماورای این عالم را مشاهده می نماید.⁴

: پی نوشتها

مصباح یزدی، محمدتقی، معارف قرآن راه و راهنماشناسی، قم، انتشارات [1].
آموزشی امام خمینی، چاپ دوم، ج4، ص62-63؛ طباطبایی، سید محمد حسین،

- بررسی های اسلامی، ص 273، مقاله ای در معجزه
مطهری، مرتضی، عدل الهی، تهران، انتشارات حسینیه ارشاد، 1349ش، . [2]
ص 62؛ مطهری، نبوت، مباحث انجمن اسلامی پزشکان، قم، انتشارات صدرا،
1380ش
طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی، . [3]
ج 1، ص 92؛ جوادی آملی، عبدالله، قرآن در قرآن (تفسیر موضوعی)، قم، نشر
اسراء، چاپ دوم، 1378ش، ص 91
جعفری، محمد تقی، شرح مثنوی، تهران، شرکت سهامی انتشار، ج 10، . [4]
ص 135

گردآوری: سیددجواد مرتضایی ارزیل

کاری از جامعه ی جهادگران مجازی پسران افتاب

جهت ارائه ی نظرات پیشنهادات و انتقادات میتوانید به شماره ی
09149967090 پیامک زده وبانویسنده در ارتباط باشید.